

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ک. ابراهیم  
۱۵ مارچ ۲۰۱۸

## سرکوب فاشیستی و غارت و دزدی در ایران در برابر خیزشهای توده‌ئی!

کارگران! مردم آزادیخواه!

امری که در این میان روشن است و ما همراه با توده‌های زحمتکش مردم ایران آن را فریاد می‌زنیم این است که باید خواست‌های ما مردم برای پایان دادن به فقر و سیه‌روزی به کرسی نشانده شود، باید بساط هرگونه سرکوب و اختناق و زندان برچیده شود. باید همه زندانیان سیاسی آزاد و غارت‌گران ثروت‌های اجتماعی و عاملین و آمرین سرکوب و اختناق در هر مقام و منصبی مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند. باید اموال به غارت رفته مردم از مؤسسه‌های مالی عودت داده شوند. باید حداقل مزد کارگران و کارکنان دولت و بخش خصوصی تا پنج برابر مبلغ کنونی افزایش و حقوق‌های نجومی صاحب منصبان حکومتی برچیده شود. باید برپائی تشکل‌های مستقل کارگری، آزادی بی‌قید و شرط بیان، مطبوعات و آزادی فعالیت احزاب برقرار و تضمین شود و باید هر آنچه که خواست توده‌های میلیونی مردم ایران است به سرعت محقق گردد. آزادی بی‌قید و شرط دستگیرشده‌ها و زندانیان سیاسی و محاکمه رژیم قاتل صفت کارگران و زحمت‌کشان از اولویت برخوردارند:

«بدیهی است هرگونه عدم توجه نسبت به تحقق خواست‌های کارگران و مردم زحمتکش ایران از طریق عوام‌فریبی یا دست بردن به سرکوب گسترده اعتراضات و یا تلاش برای سوار شدن به موج اعتراضات مردمی از سوی جناح‌های حکومتی و اپوزیسیون رانده شده از قدرت در گذشته و حال، راه به جایی نخواهد برد و این بار، این ما کارگران و مردم ایران هستیم که با اتحاد و همبستگی و تداوم اعتراضات، سرنوشت خود را رقم خواهیم زد. (تعدادی تشکلهای کارگری. معلمان-۱۴ دیماه ۱۳۹۶)

«باید اضافه کرد ما کارگران حق اعتصاب داریم و آن را به سطح اعتصاب عمومی ارتقاء بدهیم. به گفته وزیر کار رفاه و تعاون در طی یک دوره هشت ساله قدرت خرید بازنشستگان ۶۷ درصد کاهش یافته است.» (از اعلامیه کانون صنفی معلمان -۱۴ دیماه ۱۳۹۶)

\*\*\*\*\*

گرفتن یقه فرد یا جریانی در سطح قدرت سیاسی حاکم کنونی، به مثابه عامل اصلی وضعیت نابسامان کنونی مردم ایران، انتخاب نادقیقی است؟ تمامی افراد و نهادهای مذهبی: از ولی فقیه تا، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، مجمع

تشخیص مصلحت نظام، رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، مجلس شورا، دستگاههای سرکوب از سپاه پاسداران تا دستگاههای اطلاعاتی و زندانبانان و شکنجه گران در سطوح مختلف جنایتکاران دولتی هستند که با خونسردی خبیثانه به فلاکت کشاندن و زجر کش کردن معترضان را بدون لحظه ای درنگ به اجراء در می آورند. در این میان، اگر ولی فقیه به عنوان بالاترین منصب در قدرت رژیم جمهوری اسلامی، بزرگترین جنایتکار در رأس نظام دیکتاتوری باید به حساب آورده شود؛ صادق لاریجانی بزرگترین تبه کار در رأس دفاع از قانون و حقوق توده های مردم، نقش هدایت کننده سلاح خانه های قتل عام انسانهای مبارز شریف را به عهده دارد. وکیلان مزدور و زندانبانان سنگدل هار رژیم - آدمخوران زنده زنده شاه عباس صفوی را در جیب خود گذاشته اند - در حد میکروبهای وبا و طاعون و سلولهای سرطانی بیش نیستند که به جان مردم افتاده اند؛ حسن روحانی با حيله گری آخوندی رویاه منش اعتدالگرا "تدبیر و امید" ادعائی اش را به "تزویر و یأس" فعال مبدل نموده و سرآمد تزویر و ابتذال گری شده است. او در ۱۰ دی [جدی] ادعا کرد: «این نکته باید برای همه روشن باشد که ما ملت آزادی هستیم و طبق قانون اساسی و حقوق شهروندی، مردم در بیان انتقادات و حتی اعتراضشان کاملاً آزاد هستند» کذاب بزرگی است. کما این که بعد از ۵ روز نه تنها به آزادی تظاهرات مردم احترام نگذاشتند، بلکه با رسیدن تظاهرات شهری به بیش از ۱۰۰ شهر بزرگ و متوسط و کوچک، کشته شدن بیش از ۲۰ نفر تظاهر کننده، صدها نفر زخمی شده و ۲۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرده اند، نمونه "کاملاً آزادی" روحانی کذاب را نشان می دهد.

آیا بلایی که این روزها بر سر کارگر مبارز رضاشاهی تحت ریاست او آورده اند نشانه ای از نهایت تزویر گوئی روحانی نیست؟ و در همین راستا ابراهیم رئیسی سلطان آستان قدس رضوی اذعان کرد که "مردم درگیر مشکلات معیشتی و اقتصادی هستند". بسیاری از آنانی که به روحانی رأی مثبت انتخاب شدن به ریاست جمهوری دادند، به پشیمانی کشانده شده و در غم و حسرت قرار گرفته اند، که نشان می دهد حکمرانان ایران در سطوح مختلف مزورانه مشغول گول زدن از طریق همدردی با اعتراضات بحق مردم بوده و کشاندن آنها را به سوی خود دارند. اما تاریخ ۴۰ سال اخیر بار دیگر نشان داد اینان نمونه هائی از دایناسورهای وحشی در حال انقراض ضد بشری می باشند که هیچ مشروعیتی نداشته و باید در دادگاههای عدالت کارگری به محاکمه کشیده شوند.

اما بعد از توضیح این دستگاه عریض و طویل نظام حاکم، جناح اقتصادی آن و نوبت به دزدان غارتگر و فاسد دیگری رسد که به صورت نهادهای موجود نظیر مستضعفان، بنیادشعید، شرکتهای دولتی و خصوصی، حیف و میل کنندگان هزاران میلیاردی بیمه های کارگران، معلمان و غیره، بزرگترین سرمایه داران خصوصی تازه به دوران رسیده اند. اینان جز تحمیل برده داری به کارگران و زحمت کشان و استثمار و ستمگری وحشیانه نیاموخته اند و دولت سرمایه داری اسلامی در پشت دفاع از آنان قرار دارد. علاوه بر تحمیل مزدفقر و حتا نپرداختن آن، از جمله دار و دسته ای از آنها با قاچاق کردن بسیاری از وسایلی که در ایران نیز تولید می شوند، و در به ورشکست کشاندن کارخانه ها و بی کار سازی کارگران، نقش اساسی دارند در زمره ی طبقات حریص سودجوی فاسد و میرنده که جز سلب مالکیت از این مالکان و سائل تولید و مبادله که در همدستی با سرمایه های جهانی دم ساز می باشند، برای همیشه باید بدون کوچکترین گذشتی به نبرد علیه آنها پرداخته و به زباله دانی تاریخ ریخته شوند.

درمقابله با این دایناسورهای سیاسی - اقتصادی دولتی و خصوصی سرمایه داری در حال انقراض، کلیه ی اصول گرایان بی اصول، اصلاح طلبان وامانده، محافظه کاران ریا کار، هم اکنون در شهرها با عصیان اعتراضی توده های مردم به ستوه آمده، به سطح تظاهرات خیابانی رو به رو شده اند و با شعارهای اساسی مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، یا مرگ یا آزادی، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر روحانی از جمله شعارهای بودند که در بسیاری از

این اعتراضات بیان شدند. و با تداوم اعتراضات کشت و کشتارها و دستگیری ها ابعاد بیشتری خواهند یافت تا حاکمیت نشسته بر تخت غنوده بر روی خون مردم، تداوم یابد. اما باید اذعان کرد که عمده شعارها راجع به این که تظاهر کننده گان چه می خواهند، شعارهای سیاسی بدون طرح آلترناتیو کارگری و برای استقرار چه نظامی مبارزه می کنیم در این شعارها وجود نداشت. به قول اسلامیه لاله گفتن بدون الا الله بی معنا می شود و زمینه برای "هرکسی از ظن خود شد یارمن فراهم می گردد.

اما در این میان به قول معروف "زدان بازار آشفته به درون این اعتراضات به حق توده های مردم رخنه کرده اند" تا شعارهای ناحق را بچه دایناسورهای سابق دوران پادشاهی نیز به جنب و جوش افتاده و پارازیتهایی را در این اعتراضات مانند "روح شاد رضاشاه"، "ما آریایی هستیم عرب نمی پرستیم"، حضورسمبولیک و یا تکنیکی در تظاهرات یافتند. اما زمان آن رسیده است که تظاهرکننده گان فریاد زنند: من و این زمان که کشان کشان، به یتیمها و ستم کشان، شه و شیخ را بدهم نشان که مقصرین شما هلا، در خدمت سرمایه داران. در عین حال امپریالیستها، صهیونیستها و عربستان سعودی و اطرافش در ادامه ی سیاست ادامه جنگ بعد از سوریه اکنون نوبت ایران است، دست از توطئه و ایجاد بلوا در ایران، بر نمی دارند و مذبوحانه تلاش می کنند تا اعتراض مردمی را به اسم خود ضبط کنند.

در درون نیروهای رژیم جمهوری اسلامی اصول گرا، محافظه کار و اصلاح طلب، با سیاستهای سه گانه سرکوب، اقرار روی وجود مشکلات معیشتی و اقتصادی در جلب تظاهرکننده گان به سوی خود و تلاش برای حفظ آرامش زودگذر و اساسا عمده کردن دخالت نیروهای امپریالیستی و مرتجع خاورمیانه در توجیه حقانیت خود انگشت گذاشتند تا اصالت این حرکت اعتراضی سراسری توده ای را به علت فقر، بی کاری، غرق شدن در تورم، مالبختن و غیره به دست بانکداران، با وابسته معرفی کردن آنان به خارج عمق ردالت حاکمان را عیان ساختند. در شرایط احساس خطر از گسترش اعتراضات، سپاه پاسداران را در تحکیم موضع جناح اصول گرا، همدستان سرمایه داران دولتی و خصوصی ها، تلاش خواهند کرد تا جنبش اعتراض به حق مردم را در میان دریایی از خونریزیها و دستگیریها، به شکست بکشانند و نفس آرام چندساله دیگری را بیابند!

اما در مورد نیروی اصلی توده های مردم معترض در این خیزش مشترک، آنچه که قابل ملاحظه است، فقدان حضور سراسری متشکل کارگران، در هماهنگی با این اعتراضات و رهبری جنبش توده ای است که باید با شعارهای زنده باد آزادی، زنده باد حکومت کارگری کاملا قابل رویت باشد. در چنین شرایطی همانطور که در انقلاب ۱۳۵۷ شاهد بودیم نقش ارزنده و تعیین کننده ی کارگران نفت در اعتصاب و بستن فلکه های شیرنفت، تعطیل نمودن تولیدات کارخانه ها، رژیم پوشالی سرمایه داری تحت نظام سلطنتی را با تظاهرات میلیونی به فروپاشی کشاند. در آن فرصت با توافقات پنهانی که دارودسته ی خمینی با امپریالیستها و ارتش شاهنشاهی و ساواک کرده بودند با ملی گرایان و ملی مذهبی ها بر سریر قدرت سیاسی نشستند. دست آوردهای فروپاشی نظام سلطنتی را که با خیزش کارگران و زحمت کشان فراهم شده بود، به سود خود ضبط نمودند.

بنابراین، تکرار این رویداد ضدانقلابی در صورت نا آگاهی حرکات اصیل مردمی امروز حتما دست به دست شدن قدرت سیاسی بین این یا آن سرمایه دار بوروکراتیک - و یا خصوصی بزرگ، هیچ پیشرفتی برای رهائی این توده های کارگر و زحمت کش ۸۰٪ مردم، ایجاد نشده و تنها راه ادامه ی مبارزه ی طبقاتی طبقه کارگر و زحمت کشان بجز مستقلانه عمل کردن و قدرت سیاسی را به کف آوردن نمانده است.

در غیر این صورت به قول معروف توده های مردم به دام "روز از نو و بی روزی از نو" خواهند افتاد. سرمایه داران جز در ظاهر دفاع از رفهم، از دموکراسی، از لیبرالیسم، از ملی گرایی طبقاتی هدایت شده خود، از کلیه ی شرایط پیش آمده به علت قرار داشتن در زیر سلطه و حرکت جهانی نظام امپریالیستی به نامهای گلوبالیزاسیون سرمایه و بازار "آزاد تجارت" و حمایت اینان، هم اکنون تمام کوشش خود را برای حاکم نمودن نظام طبقاتی استعمار پست مدرن سرمایه داری جهان به کار می برند. کلیه کسانی که هنوز رویای اوج ملی گرایی زمان مصدق و شکست خورده به دلیل عدم دفاع از طبقه کارگر ایران را داشتند می بینند، این تغییر بزرگ جهانی را نادیده گرفته و وعده های قلابی را به مردم می دهند و حتا قادر نیستند چند کشور در این زمینه در جهان امروزی را نشان دهند که به معنای راستین استقلال دست یافته باشند.

به این اعتبار در جریان چه باید کرد؟ این خیزش جدید توده های مردم، گسترش اعتصابات سراسری کارگران و طرح قاطع خواستهایشان، سازمانیابی آنان، ایجاد نقش نیروهای سیاسی در تحلیل طبقاتی مبارزات کنونی براساس تشخیص و مقابله ی دوستان و دشمنان طبقه کارگر اهمیت یافته و در این ارتباط نیروهای سیاسی که خود را مدافع کارگران و زحمت کشان معرفی می کنند، بدون تحلیل طبقاتی از جامعه کنونی ایران و تعیین دوستان و دشمنان انقلاب کارگری، در محک آزمایش عملی و هویت و کیفیت واقعی طبقاتی قرار گرفته اند: پرچم کدام طبقه را باید برافرازند و پرچم طبقاتی کارگران یکی است؟

اوضاع سیاسی ایران به جایی رسیده که عمل این نیروهای سیاسی مدافع جنبش کارگری، قاطعانه باید زیر پا گذاشتن فرقه گرایی غیر پرولتری و سر تسلیم فرود آوردن به حقانیت ضرورت وحدت پیشروان طبقه کارگر در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد به حدی مثل روز روشن است که در واقع امتناع از این خواست انقلابی پرولتاریائی آن توسط نیروهای سیاسی مخالف در پافشاری روی سکتاریسم و فرقه بازیها، به مزبله تاریخی کشانده خواهند شد. در حالی که آنانی که به تدارک تشکیل این حزب در پیوند فشرده با کارگران کمونیست ایران معتقدند باید اقدام کنند، و خواهند توانست با گردهم آئی و پایان دادن به فرقه بازیها و متحد شدن، جواب شایسته ای را به این همه فداکاری مبارزاتی مردم بدهند و پشتیبانی آنان را به خود جلب کنند و از این طریق هم به نقش متشکل شدن طبقه کارگر و هم در خدمت به هدایت این مبارزات تحت رهبری حزب پیشرو طبقه کارگر را هرچه برجسته تر سازند.

\*\*\*\*\*

به طور گذرانی در برابر سیاستهای نظام سرمایه داری ایران، به علت خیزش توده ای وسیع و اشاره به آلترناتیوهای طبقه کارگر در مقابل این سیاستهای ارتجاعی و ضدانقلابی خواهم پرداخت:

براساس حکمرانی این دو دستگاه غول پیکر آدمخوار سرمایه و دین، مدافعان امروزی برده داران بیش از ۲ هزار سال قبل را به حیرت انداخته اند که چگونه می شود از گرده ی میلیونها انسان کارگر و زحمت کش کار کشید و زندگی جهنمی نخور و بمیر را برآنان تحمیل نمود و کارگران با عزت و غیور را به حیوانی ترین برخورد، به گرسنه ماندن و آزار قرون وسطائی کشاند.

این دستگاه فاشیستی چه بازیهائی در پیش دارد؟

- در حالی که بازی بین آمار بانک مرکزی با آمار مرکزی ایران در مورد پائین از ۱۰٪ و یا کمی بالاتر از ۱۰٪ شروع شده تا در بالابردن حداقل مزدماهانه ی در حد فقر ۵ برابر کمتر از حداقل مزدها نگه دارند، می بینیم و چه شکاف عظیمی بین مولدین اصلی با این الوقتهای مرتجع درآمد موجود است:

معاون اول رئیس جمهور در نامه ای خطاب به وزیر کار و همچنین وزیر اقتصاد خواستار رسیدگی فوری به ماجرای پرداخت حقوق ۲۳۴ میلیون تومانی به یک مدیر بانکی شد گویی که تازه این حقوقهای کلان را شنیده!! کارگران معتقدند نمایندگان دولت در شورای عالی کار برای افزایش حتی ۱۰ هزار تومان مزد مشمولان قانون کار ساعت ها چانه زنی کرده و مدل اقتصادی ارائه می دهند و در نهایت نیز افزایش حق مسکن ناچیز ۲۰ هزار تومانی کارگران را به سرنوشت اقتصاد کشور گره می زنند، پس چرا چنین نگرانی هایی در فیش های حقوقی خودشان وجود ندارد؛ بنابراین، این دولت است که باید از خودش شروع کند و آنچه که می تواند در جامعه تاثیر منفی داشته باشد عملکرد مدیران خودش است نه افزایش فقط ۱۰ هزار تومانی حقوق اقشار کم درآمد در سال. **اختلاف ۲۸۸ برابری حقوق و دستمزد.**

چگونه است که دولت ۲ سال است که از تصویب افزایش ۲۰ هزار تومانی در حق مسکن کارگران دریغ می کند ولی اجازه می دهد در دستگاه ها و بخش های مربوط به خود مدیرانی شکل بگیرند که میلیون ها تومان از بیت المال به عنوان حقوق می برند؟ آیا در اینکه کارگری ماهانه تنها ۸۱۲ هزار تومان مزد بگیرد و مدیری که صدها میلیون حقوق می گیرد، عدالتی نهفته است؟

آلترناتیو دولت کارگری در تلاش برای از بین بردن نظام استثماری مزد بگیري در طولانی مدت، پانین آوردن اختلاف حقوقها از ابتدا و رساندن بلافاصله ی آنها به ۵ به ۱ در شروع کار، اهمیت ارزش نیروی کار بازونی یا فکری را برسمیت شناخته و مناسباتی عادلانه بین انسانهای فعال بوجود خواهد آورد. امری که با هیچ دولت سکولار و یا لیبرال و ناسیونالیست و غیره با ماهیت سرمایه داری ممکن نیست و آن بخش از افرادی که به این گونه تغییرات دست به دست شدن قدرت دولتی در درون نظام سرمایه داری، دل بسته و تبلیغ می کنند، آگاهانه و یا نا آگاهانه با توجه به دوره گلوبالیزاسیون سرمایه و نئولیبرالیسم، توده های مردم را به گمراهی می کشانند.

- محمد تقی نظریور رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس با اشاره به کاهش بودجه عمرانی این وزارتخانه در سال ۹۷ بیان کرد: طرح تخریب و بازسازی از سال ۸۵ شروع شده است که ۵۰ درصد مدارس نوسازی شده است اما ۱.۵ میلیون دانش آموز در مدارس مشغول به تحصیل هستند که نیاز به تخریب و بازسازی دارد. وی در ادامه یادآور شد: در طرح مقاومسازی مدارس ۲۴ درصد آن مقاومسازی شده است اما در مورد سایر آن ها اتفاقی نیفتاده است؛ استانداردهای ۸۳ هزار کلاس درس انجام نشده و ۲ میلیون دانش آموز در فضاهایی که سامانه گرمایشی مناسبی ندارند درس می خوانند .

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس با اشاره به کمبود مدارس در مناطق مسکن مهر، بیان کرد: در مسکن مهر ۳ هزار کلاس درس وجود دارد و تعداد بسیار زیادی کمبود مدارس داریم و با اعتبارات موجود در این زمینه کاری از پیش نمی بریم. نظریور با اشاره به کاهش بودجه عمرانی وزارت آموزش و پرورش بیان کرد: ۳۵ درصد این بودجه کاهش پیدا کرده و با بدهی و وضعیت موجود نمی توان انتظار نوسازی و مقاوم سازی داشت .

محمد سالاری، رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر از فرسوده بودن بیش از ۷۰ درصد بنای مدارس غیر انتفاعی شهر تهران خبر داد.

به گزارش تسنیم، آقای سالاری افزود: "در حال حاضر یک میلیون و ۱۰۰ هزار دانش آموز در شهر تهران مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد بیش از ۲۰۰ هزار نفر در مدارس غیر انتفاعی تحصیل می کنند".

آلترناتیو دولت کارگری در این خواهد بود که، در برابر ۴۰ سال حاکمیت مشتی دزد فاسد جمهوری اسلامی که هزاران مسجد احمق سازی بنا کردند و قصرهای دوران سلطنتی را برای خود تخصیص دادند یا دست به ایجاد قصرهای مدرن

جدید برای خود زدند، در کمتر از ۲ سال این وضع اسفناک مدارس کلنگی کودکان را مقاوم سازی نماید. ریشه کن کردن بی سوادی را حتی در کمتر از ۵ سال در سراسر ایران و با توجه به آموزش و پرورش به زیاتهای ملی هر ملیتی متحقق کنند. دخالت دین در امور آموزش و پرورش را کاملاً قطع نمایند و به نقش پراهمیت آموزگاران در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و غیره ارزش قائل شده و در بالابردن سطح آموزشی مدارس بطور شایسته ای تلاش کنند. دزدبازاری قاچاقچیان بالاخره به گوش مفسدان دادستان کل ایران رسید و مجبور ورود به پرونده سهیم بودن مسئولان و فرزندانشان در قاچاق کالا شده اند که بیشتر جنبه گول زدن مردم دارد تا حل جدی این معضل:

محمد جعفر منتظری، دادستان کل ایران اقرار کرده است به موضوع سهیم بودن بعضی از مقامهای ایرانی و فرزندانشان به قاچاق کالا وارد شده و "هم‌اکنون مشغول بررسی است".

محمد باقر نوبخت، سخنگوی دولت در اواخر آذر ماه گفته بود: "چنین سخن گفتنی در شان دادستان کل کشور نیست. باید قوه قضاییه هرکس که در فساد و در قاچاق دست دارد را دستگیر کند یا مورد بازخواست قرار دهد".

این اظهارات واکنشی به سخنان قبلی دادستان کل کشور درباره دست داشتن فرزندان مقامات در قاچاق بود.

در اظهاراتی جداگانه حجت الاسلام محمد جعفر منتظری دادستان کل کشور در حاشیه همایشی درباره مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تهران ضمن تأیید این مطلب که ستاد مبارزه با قاچاق در کشور مدت ها است رئیس ندارد، می افزاید: "وضعیت اقتصادی کشور فریاد همه را از رئیس جمهور تا نمایندگان مجلس بلند کرده است." او تلویحاً قاچاق را یکی از عوامل رکود کنونی اقتصاد کشور می داند و می گوید: مادام که ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز فعال نشود، رفع مشکلات اقتصادی کشور هم امکان پذیر نیست.

منتظری تلویحاً مبادی گمرکی کشور را مبادی قاچاق کالا در کشور می خواند و می گوید که قوه قضائیه قادر به کنترل این مبادی نیست. او گفت: "محدود کردن مبادی گمرکی با دستگاه قضایی نیست" و علاوه بر سازمان تعزیرات حکومتی دولت نقش اول را در این زمینه باید برعهده بگیرد. بر اساس ارقام رسمی بیش از ۹۰ درصد واردات کشور را کالاهای قاچاق تشکیل می دهند و این حجم از قاچاق به ارزش بیش از ۴۰ میلیارد دلار از طریق مبادی گمرکی و مرزی صورت می پذیرد که همگی تحت کنترل نیروهای مسلح به ویژه سپاه پاسداران است.

این بی تفاوتی دولت در کنترل مرزها و جلوگیری از سپاه پاسداران نقش درجه اولی در این کار ضدانقلابی در به ورشکست کشاندن تولیدات داخلی داشته و علاوه بر گمرکات رسمی در دهها نقاط خارج از گمرکات نظیر اسکله های تحت کنترل سپاه پاسداران دست به قاچاق ورود ارقام نجومی بیش از ۴۰ میلیارد دلار دستیابی به صدها هزار میلیارد تومان خویش فراهم می سازند. و در ظاهر مبارزه با قاچاق نوجوانان و جوانان را در ابعاد دهها هزار به میدانهای اعدام می برند.

دولت کارگری بدون کوچکترین گذشتی به این قاچاقچی گری امکان استفاده نداده و در کمتر از یک سال دست این قاچاقچیان را از دست زدن به این عمل شنیع که در ورود مواد مخدر نیز نه تنها در گرفتارسازی میلیونها جوان فساد عظیمی را در ایران گسترش می دهند که ریشه کن خواهد شد و نشان خواهد داد این دولت کارگری تا چه حدی توانایی نابودکردن فساد و دله دزدیها را داشته و میلیونها نفر از توده های مردم را در جلوگیری از این مصیبت عظمی بسیج خواهد نمود و زندگی شرافتمندانه ی جوانان را به صورت انسانهای متعهد در خدمت به مردم تامین خواهد کرد.

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، می گوید که از رونق در اقتصاد ایران خبری نیست و بودجه دولت کفاف اداره کشور را نمی دهد چه برسد به آنکه بتواند در اقتصاد بی رونق ایران تحرکی ایجاد کند. رئیس مجلس

شورای اسلامی می گوید که "کل منابع و درآمدهای کشور از طریق نفت و مالیات و روش های دیگر به زور به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان" (یعنی معادل ۷۰ میلیارد دلار) می رسد و بودجه جاری کشور را با همین پول باید تأمین کرد. لاریجانی تلویحاً اعتراف می کند که با این پول نمی توان بودجه عمرانی کشور را تأمین کرد و پولی نیز در صندوق توسعه ملی نمانده تا از طریق آن بتوان منابع عمرانی کشور را فراهم نمود. به همین خاطر به گفته علی لاریجانی دولت با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی یعنی از طریق فروش شرکت های دولتی کسری بودجه خود را تأمین می کند. با این حال، به گفته علی لاریجانی دیگر چیز زیادی برای فروختن نمانده و به همین دلیل دولت برای جبران کسری بودجه اقدام به انتشار اوراق مشارکت کرده که این نیز موجب افزایش بدهی های دولت می شود.

این ارزیابی رئیس مجلس کنونی نشان دهنده ی ورشکسته گی نظام سرمایه داری حاکم در ایران است که به علت دزدیهای میلیارد میلیاردی، خرج در مسجسدسازی و نهادهای مذهبی، تقویت نیروهای سرکوبگر برای جلوگیری از قیام سراسری توسط طبقه کارگر و زحمت کشان رژیم جمهوری اسلامی را به این زبونی و ناتوانی کشانده است.

اما شرکت ۸۰٪ کارگران و زحمت کشان و جلوگیری از این فلاکتی که جمهوری اسلامی بر گرده ی اینان تحمیل کرده، با توجه به مجموعه امکانات غنی موجود در ایران و نیروی کار بازونی و فکری و جلوگیری از پرداخت حقوقهای گزاف به مشتی خدمت گذار، رسیدگی به معضلات اقتصادی کشور حتا در عرض کمتر از ۵ سال توسط دولت کارگری از بین خواهد رفت.

علی اصغر سعیدی به «ایران» می گوید:

«در بحث نارضایتی های اجتماعی باید به زمینه های اقتصادی توجه جدی داشت. بنیان های رفاه عینی طبقه بندی دارند و هرگاه نخستین مراتب رفاهی نتواند به پاسخ شایسته ای برسد، در صورت انباشت طی زمان به نارضایتی های جدی منجر خواهد شد. اشتغال، مسکن، آموزش و بهداشت نخستین مرتبه های رفاه عینی هستند که می توانند نارضایتی های ذهنی را به بار بیاورند. به طور استنباطی می توانم بگویم که فقر به طور واقعی یا صرفاً احساس آن و ترس از فقر در آینده، باعث شده است که مردم به نارضایتی برسند، که البته نیاز به بررسی های آماری دقیقی دارد.»

از سوی دیگر، بررسی های آماری از وضعیت اشتغال در سال ۹۵، نشان می دهد در بعضی از شهرهایی که اعتراضات اخیر در آن ها جدی بوده است، برخی نرخ بیکاری بالاتر از کل کشور داشته اند. رتبه های اول بیکاری در کل کشور به شهرهای مرزی اختصاص دارد و مناطق زلزله زده سرپل ذهاب و اسلام آباد غرب نیز بیکارترین شهرهای کشور هستند. در میان شهرهای معترض، کرمانشاه با ۲۹۵ هزار نفر جمعیت شاغل و ۴۳ هزار نفر جمعیت بیکار، رتبه دوازدهم را در بیکاری کل شهرهای کشور دارد و نرخ بیکاری در شهر کرمانشاه نیز ۲۴.۱ درصد است. پس از آن، شهر ایذه رتبه ۳۱ را در بیکاری کشور با ۱۸.۳ درصد نرخ بیکاری دارد. کل جمعیت این شهر، ۱۹۸ و ۸۷۱ هزار نفر است و از میان جمعیت فعال ۶۴ هزار نفری، ۱۱ هزار و ۷۳۵ نفر بیکار هستند.

هدایت الله خادمی، نماینده مردم ایذه نیز اخیراً گفته است: «اگر می بینید که تجمعات و اعتراضات اخیر در ایذه تا حدودی پرنرنگتر بوده، به این دلیل است که جوانان ایذه همه بیکار هستند. هر جا بیکاری بیشتر باشد، طبیعتاً زمینه اعتراضات بیشتر است. نگرانی های اقتصادی مردم بحق است. بالاخره مسائلی نظیر اشتغال و رکود اقتصادی وجود دارد، اما مشکلات اقتصادی نباید موجب شود که به اصل نظام و کشور خدشه وارد شود. این اعتراضات هشدار برای مسئولان است که برای این رکود اقتصادی چاره اندیشی کنند.» ممسنی نیز با ۳۲ هزار نفر جمعیت شاغل، ۷ هزار و ۲۷۴ نفر جمعیت بیکار دارد و با نرخ بیکاری ۱۸.۴ درصدی در رتبه ۳۰ بیکاری کشور قرار گرفته است. در شهرستان دورود

استان لرستان نیز از جمعیت فعال ۵۱ هزار و ۷۷۹ نفری، ۴۴ هزار و ۳۷۴ نفر شاغل و ۷ هزار و ۴۰۵ نفر بیکار هستند. نرخ بیکاری در این شهر ۱۴.۳ درصد و رتبه آن در کل کشور، ۶۲ است.

بررسی‌های آماری و اسنادی نشان می‌دهد که بیکاری طی سال‌ها و دهه‌های مختلف روی هم انباشت شد و جمعیت ۳ میلیونی بیکاران امروز را ساخت. طی ۸ سال، روی هم رفته برای کمتر از ۷۰ هزار نفر شغل ایجاد شد، به روایت رئیس مرکز آمار، در دولت یازدهم سالانه حدود ۴۸۵ هزار شغل ایجاد شد، اما انباشت بیکاری و حل نشدن سریع مشکلات اقتصادی کار را به جایی رسانده که شدت بیکاری زیادی میان مردم احساس می‌شود.

بر اساس روایت علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در سال‌های آینده ۴.۵ میلیون نفر تحصیلکرده دیگر نیز به گروه بیکاران افزوده می‌شود که مجموعاً تعداد جویندگان کار فارغ‌التحصیل دانشگاهی کشور را به بیش از ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر می‌رساند. برآوردها نشان می‌دهد که بیکاران دانشگاهی و غیردانشگاهی، روی هم رفته ارتش ۸ میلیونی بیکاران را تشکیل خواهند داد.

در صورت کسب قدرت سیاسی توسط کارگران در همان سال اول بی‌کاری را برانداخته و تامین کار را برای کلیه نیروی آماده به کار - و طبعاً نه کودکان کار - فراهم ساخته و این عاملی که در دست نظام سرمایه داری برای استثمار بیشتر و تبدیل نیروی کار به ارزانترین شکل ممکن نقطه پایانی خواهد گذاشت. امری که نشان می‌دهد آزادی واقعی و رهائی از این جهنمی که نظام سرمایه داری به وجود آورده نظام سوسیالیستی رهائی بخش است و کارگران و زحمت کشان باید با تمام نیرو در تحقق این نظام پیشرفته تاریخی بشر متحدا اقدام کنند.

گرچه می‌توان نمونه‌های دیگری را در بحران کنونی رژیم به میان کشید ولی برای رهائی از این وضعیت ناهنجار توده‌های مردم چه باید کرد باید به طور روشنی تعیین شده و در تحقق آن تلاش نمود:

اگر طبقه کارگر و توده‌های زحمت کش خود را در سازمانهای مطالباتی خود متشکل نسازند؛

اگر نیروهای کمونیست آگاه طبقه کارگر خود را در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران متشکل نسازند؛

اگر نیروهای کمونیست موجود در شرایط کنونی که شاهد خیزشهای توده‌های مردم هستند، ولی عنودانه و خود خواهانه به تشکلهای خودی ننازند که دهها سال سابقه فرقه‌گرایی و خود مرکز بینی را در شیپورهای تبلیغاتی خود دمیده‌اند و هیچ‌تأثیر مثبتی در درون جنبش کارگری ایران نگذاشته‌اند، این وضع ادامه یابد، هیچ نتیجه‌ای جز منقرض و بی‌آبرو شدن این تشکلهای نداشتنه و اعضای این تشکلهای شاهد دست به دست شدنهای دیگری را بین نیروهای بورژوازی شاهد خواهند شد.

به همین علت ما از کلیه نیروهای که به وحدت کمونیستی اعتقاد دارند دعوت می‌کنیم تا زمینه را طبق آموزشهای کمونیسم علمی با متحدشدن در حزب واحدی که در خدمت به ایجاد حزب کمونیست واحد ایران بوده و پیوند فشرده و سالمی با جنبش آگاه کارگری داخل داشته باشند شرط اصلی ایجاد چنین حزبی است، زمینه را در تحقق این وظیفه‌ی مبرم کمونیستی فراهم سازند و با نقد انقلابی و کمونیستی فرقه‌گرایی، برای قطع نفوذ دیدگاه خرده بورژوازی سکتاریستی اقدام کرده و به پیروزی درخشانی خواهند رسید.

ک. ابراهیم - ۱۶ دیماه [جدی] ۱۳۹۶ (۶ جنوری ۲۰۱۸)